

## تحلیل روان‌سنجی پرسشنامه دل‌بستگی به مادر در بین دانشجویان ایرانی

شهرام واحدی<sup>۱</sup>

علی عیسی‌زادگان<sup>۲</sup>

حبیبه مرتضی‌نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی ساختار عاملی، پایایی و روایی پرسشنامه ابعاد دل‌بستگی مادر (IMA) در یک نمونه دانشجویان ایرانی بود که ۴۰۲ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای تعیین پایایی، روش همسانی درونی و برای بررسی روایی سازه و ساختار عاملی پرسشنامه از تحلیل عامل تأییدی و اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد ساختار عاملی اصلی داده‌های نمونه حاضر را برازش نداد. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی از ساختار دو عاملی این پرسشنامه حمایت کرد. در مجموع دو عامل «اعتماد و ارتباط» و «بیگانگی» توانستند ۵۷ درصد واریانس پرسشنامه را تبیین نمایند. ضرایب آلفا برای عامل «بیگانگی» ۰/۷۸ و برای «عامل اعتماد و ارتباط» ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین نتایج روایی همزمان IMA نشان داد که بین کفایت اجتماعی دانشجویان و دل‌بستگی مثبت والدین (اعتماد) رابطه مثبت، اما بین کفایت اجتماعی و دل‌بستگی منفی والدین (بیگانگی) رابطه منفی مشاهده شد. بررسی نتایج روایی همگرایی مبین آن است که بین خرده‌مقیاس‌های

E-mail: vahedi117@yahoo.com

۱- دانشیار روانشناسی تربیتی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار دانشگاه ارومیه.

۳- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی.

پرسشنامه دلبستگی مادر با خرده‌مقیاس‌های پدر و همسالان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد ( $P < .05$ ). به‌طور کلی، پرسشنامه دلبستگی مادر در اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی مادر ابزاری روا و پایا است. پیشنهاد می‌شود از IMA در حوزه‌های بالینی و پژوهشی استفاده شود.

**واژگان کلیدی:** پرسشنامه دلبستگی مادر، کفایت اجتماعی، تحلیل عاملی اکتشافی، دانشجویان.

## مقدمه

نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) یکی از خلاق‌ترین نظریه‌های روانشناسی در ۴۰ سال اخیر بوده است. بالبی (۱۹۶۹) نیاز دلبستگی را در ردیف نیازهای نخستین مطرح نموده است. وی دلبستگی را نوعی پیوند هیجانی پایدار نسبت به اشخاص مهم (اعضای خانواده، دوستان، و همسر) تعریف می‌کند. به عبارتی، رفتار دلبستگی دارای دو کنش اساسی است: الف) کنش حمایتی یا ایمنی تأمین شده توسط بزرگسالی که از کودک آسیب‌پذیر در مقابل مهاجم می‌تواند دفاع کند. به این ترتیب، کودک فرصت می‌یابد تا از مادر خویش، فعالیت‌های لازم برای ادامه حیات را بیاموزد؛ ب) کنش اجتماعی شدن؛ دلبستگی در جریان چرخه زندگی از مادر به نزدیکان و سپس به بیگانگان و بالاخره به سایر گروه‌ها گسترش می‌یابد و به صورت عاملی مهم برای ساخت‌دهی شخصیت کودک درمی‌آید (منصور، ۱۳۷۴).

رفتارهای حاکی از دلبستگی در سال‌های اول زندگی تشکیل می‌شوند و در باقی عمر نیز به احتمال زیاد غیرقابل تغییر می‌مانند. آنچه تشکیل می‌گردد، الگوهای عملی درونی است که در برگزیده خودانگاره، تصور از دیگران و تصور از خود در ارتباط با دیگران است. تحقیقات نشان می‌دهند کیفیت ارتباط مادر- کودک در دوران کودکی در رشد الگوهای عملی درونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در عین حال، روابط صمیمانه و نزدیک بزرگسالی نیز تحت تأثیر همین الگوهای عملی درونی فرد قرار می‌گیرد (فنی، نولر و کالن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). در درون بافت روابط والد- فرزند، ظاهراً رابطه بین نظام‌های ذهنی

1- Feeney, Noller & Callan

و بازنمایی‌های روابط اولیه، الگوهای عملی درونی و رشد روابط آینده ایجاد می‌شود (برترتون و مونهالند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که بین کیفیت دلبستگی مادر-کودک و کفایت اجتماعی<sup>۲</sup> کودکان و نوجوانان و سازگاری اجتماعی آنان رابطه وجود دارد (کلمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ اشنایدر، اتکینسون و تاردیف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). به علاوه، نوم، دکویک و مبیوس<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) دلبستگی و رفتار ضداجتماعی را در یک نمونه ۴۰۰ نفری از نوجوانان هلند بررسی کردند و دریافتند که دلبستگی مادران به‌طور معنی‌داری با رفتار ضداجتماعی نوجوانان رابطه منفی دارد.

نتایج پژوهش دورتی و بیوتون<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) حاکی از آن است که کیفیت رابطه و دلبستگی فرزند با والدین باهم و یا به‌طور جداگانه اثرات متفاوتی بر رشد بعدی آنان دارد. پاترسون، پریور و فیلد<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) ضمن تأیید نتایج تحقیقات قبلی، به اهمیت اثرات درازمدت دلبستگی مادر بر نوجوانان تأکید کرد، به ویژه، نوجوانانی که سطوح بالایی از کیفیت عاطفه نسبت به مادر تا به پدر گزارش نمودند. هانتر و یونیس و پاترسون، فیلد و پریور به این نتیجه رسیدند که نوجوانان به حمایت بیشتر مادر وابسته هستند تا به پدر. بدیهی است بدون کاستن اهمیت نقش دلبستگی پدر بر فرزند، می‌توان گفت بین مادر و نوجوان یک پیوند قوی وجود دارد. ضروری است ابزاری که بتواند چنین رابطه قوی مادر و جوان را به خوبی اندازه بگیرد بایستی مورد بررسی قرار گیرد. زیرا در دوره نوجوانی، از یک طرف، تغییر و تحولات در الگوهای عملی درونی که نوجوانان از الگوهای والدینی فاصله می‌گیرند و به آنها اجازه می‌دهد هویت بزرگسالی را شکل دهند، اما از طرف دیگر، این تغییرات بستگی به تاریخچه شخصی از روابط دلبستگی خواهد داشت (نقل از آلن و لند<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹).

1- Bretherton & Munholland  
3- Colmen  
5- Noom, Dekovic & Meeus  
7- Paterson, Field & Pryor

2- social competence  
4- Schneider, Atkinson & Tardiff  
6- Doherty & Beaton  
8- Allen & Land

اخیراً پژوهش‌های دلبستگی بیشتر روی گروه‌های سنی نوجوانی و بزرگسالی متمرکز شده است (الکساندر و هوهاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ سیرانووسکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲؛ رولز و کمبل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). این نوع تغییرات رویکردی سبب شده است محققان بتوانند برای ارزیابی دلبستگی در نوجوانان و بزرگسالان از ابزارهای خودگزارشی و مصاحبه‌ها بهره‌مند شوند. نمونه‌های از ابزارهای خودگزارشی برای اندازه‌گیری دلبستگی شامل پرسشنامه‌های دلبستگی والدین و همسالان (IPPA) آرمسدن و گرینبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۸۷)، پرسشنامه دلبستگی نوجوانان وست، روز، اسپرنگ، شلدن-کلر و آدام<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) و پرسشنامه دلبستگی والدین کننی<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) است. اگرچه در مورد رشد ابزارهای دلبستگی برای اوایل کودکی، نوجوانی، و بزرگسالی تحولات اساسی صورت گرفته است، اما در مورد ارزیابی دلبستگی در اوایل جوانی پژوهش‌های چندانی انجام نگرفته است. یکی از پرکاربردترین ابزارهای خودگزارشی دلبستگی، IPPA آرمسدن و گرینبرگ است که برای ارزیابی ابعاد عاطفی و رفتاری دلبستگی (اعتماد، ارتباط و بیگانگی) والدین و همسالان طراحی شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷).

IPPA برای ارزیابی درک نوجوانان ۱۲-۱۹ ساله از ابعاد شناختی/عاطفی ارتباط با والدین و دوستان صمیمی طراحی شده بود، تا بررسی کند چگونه این الگوها به عنوان منابع امنیت روانی بکار می‌رود. نسخه اصلی پرسشنامه گرینبرگ و همکاران شامل فرم ارزیابی دلبستگی ایمن نسبت به والدین (۲۸ گویه) بود. پس از آن، آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) استدلال می‌کنند که یک عامل برای توصیف سازه پیچیده‌ای از دلبستگی کافی نیست، تعداد زیادی از گویه‌ها در فرم والدین از ۳۱ به ۲۹ کاهش دادند و سازه‌های خود را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) کشف نمودند. نمونه پژوهش شامل ۱۷۹ دانشجو ۱۶ تا ۲۰ ساله (میانگین سنی ۱۸/۹ ساله) بود. آنها انتظار داشتند دو عامل پیدا کنند، یکی مربوط به «تجربه عاطفی / شناختی مثبت (اعتماد در دسترس‌پذیری و پاسخگو

1- Alexander &amp; Hohaus

3- Rholes &amp; Campbell

5- West, Rose, Spreng, Sheldon-Keller &amp; Adam

2- Cyranowski

4- Armsden &amp; Greenberg

6- Kenny

بودن الگوهای دلبسته) و دیگری به تجربه عاطفی / شناختی منفی (خشم و یا ناامیدی ناشی از الگوهای دلبستگی غیرمسئول یا ناسازگار) مربوط می‌شد» (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). با این حال، با استفاده از ملاک مقادیر ویژه بزرگ‌تر از ۱، نویسندگان (به روش چرخش ارتوگونال) سه عامل در فرم والدین استخراج نمودند. ساختارهای عاملی به لحاظ روان‌شناختی معنی‌دار تفسیر شدند. برای فرم والدین، اولین عامل (اعتماد) بود که میزان تجارب شناختی و عاطفی مثبت مربوط به افراد دلبسته علاقمند و قابل دسترس را می‌سجد، عامل دوم (ارتباطات) تعاملات رفتاری بین کودک و افراد دلبسته را ارزیابی می‌کند، برحسب «مقدار و کیفیت ارتباط کلامی با والدین» و عامل سوم (بیگانگی) بر اساس میزان تجارب شناختی و عاطفی منفی نسبت به افراد دلبسته بی‌مسئولیت، بی‌توجه و بی‌ثبات مورد سنجش قرار می‌گیرد. خرده‌مقیاس‌ها نیز به شدت در هر دو فرم پدر و مادر همبستگی قوی داشتند ( $r = .76$  تا  $.70$ ).

از لحاظ نظری، اندازه‌گیری دلبستگی والدین به وسیله IPPA متمایز از سنجش عملکرد یا جو خانواده است، زیرا آن مدل عملی درونی فرد را از تجربه دلبستگی او با دیگر افراد مهم را اندازه می‌گیرد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) با نمونه‌ای از دانشجویان به این نتیجه رسیدند که پرسشنامه دلبستگی والدین (IPPA) با خودپنداره خانواده ( $.78$ )، همبستگی ( $.56$ )، بیانگری<sup>۱</sup> ( $.52$ )، سازماندهی ( $.38$ )، کنترل ( $.20$ -) و تعارض ( $.36$ -) رابطه دارد. اگرچه دلبستگی با عملکرد خانواده رابطه دارد، آنها سازه متفاوتی هستند. اما همبستگی بین دلبستگی همسالان و متغیرهای فوق خیلی پایین بود. مطالعات بی‌شماری دیگری، از اعتبار و روایی IPPA حمایت کردند (آدامز و چاس - لنزدل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ فورموزو، گنزالز و آیکن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ پاولیدیز و مک کائولی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱).

تحلیل آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) از داده‌های IPPA در بین دانشجویان سه عامل (اعتماد، ارتباط و بیگانگی) را نشان داد. آنها همسانی درونی بالایی برای سه عامل

1- expressiveness  
3- Formosa, Gonzales & Aiken

2- Adams & Chase-Lansdale  
4- Pavlidis & McCauley

والدین، اعتماد و ارتباط همسالان و همین‌طور، همسانی درونی خوبی برای عامل بیگانگی گزارش نمودند. رابطه بین دلبستگی والدین و همسالان برابر با ۰.۳۶ بود که بیانگر جدا بودن این دو سازه است، اما تا حدی سازه‌های درونی همپوشی داشتند. پژوهش‌های مربوط به IPPA نشان داده‌اند که دلبستگی ناایمن با افسردگی و اضطراب (پاپینی و روگمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱)، آشفتگی و سازگاری روان شناختی (برادفورد و لیدن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳) و رفتار ضداجتماعی (مارکوس و بتزر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) رابطه دارد.

تحلیل عاملی تأییدی IPPA که اخیراً بوسیله فسک و همکاران (نقل از ریدنور، گرینبرگ و کوک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷) در نمونه‌ای از داده‌های که از نوجوانان (۱۲-۱۸) جمع‌آوری شده بود، نشان داد که سوالات دلبستگی پدر و مادر مجزا از هم هستند (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۶). پنج مدل عاملی رقیب مورد آزمون قرار گرفتند. در سه مدل یک مقیاس ترکیبی (مؤلفه اعتماد/ارتباط) از زیر مقیاس‌های جداگانه یعنی اعتماد/ارتباط و یک مقیاس بیگانگی بدست آمد. در بهترین مدل برازش یافته از این سه مدل، مقیاس‌های اعتماد و ارتباط پدر و مادر باهم همبسته بودند.

در دو مدل باقیمانده، زیرمقیاس‌های اعتماد و ارتباط به عنوان سنجه‌های جداگانه تجزیه و تحلیل شدند (شش مقیاس کل). از این دو مدل، در مدل بهتر برازش یافته، سه مقیاس باهم همبسته بودند. همسانی درونی برای هر کدام از زیر مقیاس‌ها یعنی اعتماد، ارتباط و بیگانگی خوب تا عالی بودند. هدف مطالعه حاضر، برآورد ثبات درونی، روایی همزمان و ساختار عاملی پرسشنامه دلبستگی مادر با استفاده از تحلیل اکتشافی است.

تعدادی از تحقیقات انجام شده در مورد تحلیل عاملی سایر ابزارهای دلبستگی نیز نشان می‌دهد که در اغلب تحلیل‌های عاملی اکتشافی، سوالات دلبستگی به دو بعد (اضطراب و صمیمیت) تقسیم شده است. گریفین و باترلو<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) سه ابزار دلبستگی

1- Papini &amp; Roggman

3- Marcus &amp; Betzer

5- Griffin &amp; Bartholomew

2- Bradford &amp; Lyddon

4- Griffin &amp; Bartholomew

(خودگزارشی، همسالان و مصاحبه) را تحلیل عاملی نمودند و به دو بعد دست یافتند. مطالعه سانفورد<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در اجرای تحلیل عاملی تأییدی مقیاس هازان شیور (۱۹۸۷) این نتیجه حاصل شد که مدل دو عاملی (ارتباط صمیمی و ارتباط مضطرب) برازش بهتری داشت. کولین و رید<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) نیز تحلیل عاملی اکتشافی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که سه عامل (صمیمیت، وابسته و اضطراب) داده‌های او را بهتر تبیین کردند. براساس نتایج این نوع مطالعات، خیلی سخت است که به یک نتیجه قاطع برسیم. براساس مطالعات انجام یافته هنوز هیچ توافقی وجود ندارد در مورد این که کدام ابزار برای اندازه‌گیری دلبستگی بزرگسالان بهتر است و چگونه چنین ابزاری باید ساخته شود؟

پی بردن به ساختارهای الگوی والدین تصویری را ارایه می‌کند مبنی بر این که چگونه الگوهای عملی درونی مادر در ارتباط با نوجوانان عمل می‌کنند. ابزارهای خودگزارشی که می‌تواند بازنمایی‌های ذهنی از روابط والد-فرزند را استخراج نماید، در این موارد مفید خواهد بود: الف) در تعیین این که این بازنمایی‌های ذهنی به وسیله هر دو فرد در روابطشان سهیم هستند، ب) این بازنمایی‌های ذهنی چگونه بر کارکرد انفرادی، دو تایی و خانواد اثر می‌گذارد. علی‌رغم اهمیت نظریه دلبستگی در تحقیقات رشدی، ابزاری معتبر و پایا که بتواند دلبستگی را فراتر از کودکی و در اوایل جوانی ارزیابی نماید در داخل کشور بررسی نشده است. بر اساس مرور پژوهش بالا، در مطالعه حاضر پیش‌بینی می‌شود که نمرات زیر مقیاس‌های ارتباط و اعتماد IMA با نمرات کفایت اجتماعی همبستگی مثبت، اما زیر مقیاس بیگانگی با آن رابطه منفی داشته باشد. علاوه براین، برای بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه ابعاد دلبستگی مادر (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷) سعی می‌شود به سوالات زیر مورد بررسی قرار گیرد: ۱) آیا پرسشنامه ابعاد دلبستگی مادر در جمعیت ایرانی ساختاری مشابه ساختار پرسشنامه نسخه اصلی (سه عاملی) دارد؟ آیا پرسشنامه دلبستگی مادر از پایایی و روایی همگرا لازم برخوردار است؟ آیا ابعاد دلبستگی مادر با توجه به جنسیت دانشجویان متفاوت است؟

1- Sanford

2- Collins &amp; Read

## طرح پژوهش

### جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به اهداف، فرضیه و ماهیت مطالعه، روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری را دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۷ تشکیل می‌دادند. تعداد ۴۰۲ نفر (۲۰۲ دختر و ۲۰۰ نفر پسر) از بین دانشجویان مقطع کارشناسی به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا از میان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی، ادبیات و زبان‌های خارجی، علوم اجتماعی، علوم پایه و فنی به طریق تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد، از هر دانشکده یک کلاس انتخاب گردید و دانشجویان در کلاس پرسشنامه سبک‌های دلبستگی والدین و کفایت اجتماعی (ICQ-R) را تکمیل کردند.

### ابزارهای اندازه‌گیری

الف) پرسشنامه دلبستگی والدین و همسالان<sup>۱</sup> (آرمسدن و گرنبرگ، ۱۹۸۷): این پرسشنامه جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری دلبستگی آزمودنی‌ها را نسبت به پدر، مادر و همسالان ارزیابی می‌کند. پرسشنامه مذکور برای بررسی ابعاد گوناگون دلبستگی (اعتماد متقابل، کیفیت ارتباط و بیگانگی<sup>۲</sup>) تنظیم شده است. خرده‌مقیاس اعتماد با ۱۰ گویه، احساس امنیت پاسخ‌گویان در میزان پاسخ‌دهی والدین نسبت به نیازهای هیجانی آنها، بعد ارتباطی با ۹ گویه، کمیت و کیفیت ارتباط کلامی و خرده‌مقیاس بیگانگی با ۶ گویه احساسات بیگانگی و انزوا را می‌سنجد. داشتن نمرات بالا در هر مقیاس نشان‌دهنده دلبستگی ایمن می‌باشد. در پژوهش حاضر، ویژگی‌های روانسنجی دلبستگی مادر مورد بررسی قرار گرفت. روایی سازه و همگرایی این ابزار از طریق محاسبه همبستگی با ابزارهایی مانند تعارض، حمایت و همبستگی خانواده، بهزیستی درونی، رضایت از زندگی، افسردگی/اضطراب، رویدادهای زندگی و... تأیید شده است (آرمسدن و گرنبرگ، ۱۹۸۷).

1- Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA) 2- alienation



علاوه بر این، آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) ضرایب پایایی برای دلبستگی مادر برابر با ۸۷٪، برای پرسشنامه دلبستگی پدر ۸۹٪، و برای دلبستگی با همسالان ۹۲٪، و پایایی بازآزمایی در عرض سه هفته ۸۶٪، الی ۹۳٪، برآورد کردند. واحدی و مرادی (۱۳۸۸) پایایی درونی پرسشنامه‌های دلبستگی مادر، پدر و همسالان را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ محاسبه کردند.

ب) پرسشنامه تجدیدنظر شده کفایت اجتماعی<sup>۱</sup> (ICQ-R): که توسط بورمستر<sup>۲</sup> (۱۹۸۸؛ نقل از هلنتال، ۲۰۰۶) تدوین گردید. این پرسشنامه ۴۰ گویه با چهار مقیاس فرعی (آغازگر ارتباط، حل تعارض، خود-افشایی و حمایت عاطفی) برای ارزیابی کفایت اجتماعی نوجوانان و جوانان طراحی شده است. از این ابزار در جامعه کودکان ۱۱ ساله و بزرگسالان استفاده شده است. بورمستر ضرایب پایایی برای چهار مقیاس این آزمون را در فاصله زمانی چهار هفته‌ای بین ۶۹٪، الی ۸۹٪، برآورد کرد. ضریب همسانی درونی نیز بین ۷۶٪ و ۸۷٪ بدست آمد (نقل از هلنتال، ۲۰۰۶). در شکل فارسی شده این ابزار، روایی صوری و محتوایی مورد تأیید اساتید فن قرار گرفت. ضریب پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵، برآورد گردید.

### یافته‌ها

تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میانگین نمرات بین دانشجویان دختر و پسر در ابعاد دلبستگی به مادر وجود دارد ( $\eta^2 = .03$ ،  $P = .015$  و  $T^2_{(1, 3.7)} = .035$ ، به این معنی که میانگین نمرات دانشجویان پسر در بعد اعتماد ( $M = 36/34$  و  $SD = 6/76$ ) و ارتباط ( $M = 25/75$  و  $SD = 4/85$ ) بیشتر از نمرات دانشجویان دختر در ابعاد اعتماد ( $M = 33/87$  و  $SD = 7/08$ ) و ارتباط ( $M = 5/08$  و  $SD = 5/08$ ) و بیگانگی به ترتیب ( $M = 30/89$  و  $SD = 7/67$ ) ( $M = 30/01$  و  $SD = 5/19$ ) تفاوت قابل ملاحظه‌ای مشاهده نشد ( $p = .24$ ).

1- Interpersonal Competence Questionnaire Revised 2- Buhrmester

## ۱- روایی پرسشنامه دلبستگی مادر

در این پژوهش، به منظور تعیین روایی سازه‌ای پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی و همبستگی خرده‌آزمون‌ها با یکدیگر و با کل آزمون استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS<sup>۱۶</sup> استفاده شد.

تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از برنامه رایانه‌ای ایموس (آرباکل، ۲۰۰۷) اجرا شد. برای آزمون این که آیا ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس شبیه نسخه اصلی (سه عاملی) دلبستگی مادر است، CFA اجرا شد. بر اساس نسخه اصلی IPPA، گویه‌ها به زیرمقیاس‌های اعتماد، بیگانگی و ارتباط تقسیم گردید و سپس گویه‌ها وارد تحلیل شدند. نتایج نشان داد که ساختار عاملی اصلی IPPA روی داده‌های نمونه حاضر برازش نیافت. (RMSEA=/.۰۹) و (CFI=/.۸۰)، (IFI=/.۸۰)، (NFI=/.۷۶)، (CMIN/DF =۳/۸۹).

به منظور درک بیشتر از ساختار عاملی پرسشنامه دلبستگی مادر، تحلیل عاملی اکتشافی اجرا شد. ابتدا برای اطمینان از عدم برابری ماتریس همبستگی با صفر در جامعه، از دو آزمون کیزر مایر اولکین (KMO) و کرویت بارتلت بهره گرفته شد که ضرایب به دست آمده KMO برای پرسشنامه دلبستگی مادر برابر با ۰/۹۱ بود که کاملاً رضایت‌بخش می‌باشد. آزمون کرویت بارتلت نیز از لحاظ آماری معنادار بود که قابلیت گویه‌های پرسشنامه را برای تحلیل عاملی تأیید کردند (جدول ۱).

جدول شماره (۱) مقادیر KMO و آزمون کرویت بارتلت

شاخص‌ها	پرسشنامه دلبستگی مادر
۰/۹۱	شاخص کفایت حجم نمونه (KMO)
۳/۰۵۴	آزمون بارتلت با مقدار خی دو تقریبی
۱۳۶	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

برای انتخاب عامل‌ها از چهار ملاک استفاده کردیم: ۱- ملاک ریشه نهفته<sup>۱</sup> که

1- validity

براساس این ملاک، فقط عواملی نگه داشته شدند که مجموع مجذور بارهای عاملی آنها (مقادیر ویژه) یک یا بیشتر باشد، ۲- آزمون اسکری کتل، ۳- ملاک درصد واریانس و ۴- ملاک پیشین<sup>۱</sup> (هیر، آندرسون، تاتهام و بلاک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). به منظور بررسی ماهیت روابط بین متغیرها و همچنین دستیابی به تعاریف عامل‌ها، ضرایب بالاتر از ۰/۳. در تعریف عامل‌ها مهم و با معنا دانسته و ضرایب کمتر از این حدود، به عنوان صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته شد. تمامی گویه‌ها به جزء سه گویه دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۳. بودند. در این تحقیق عامل‌های استخراج شده با چارچوب نظری پرسشنامه و سه ملاک دیگر تطابق داشت.

همان‌گونه که در جدول (۲) دیده می‌شود، تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی منجر به استخراج پنج عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک در پرسشنامه دل‌بستگی مادر گردید که تقریباً ۵۷ درصد واریانس را تبیین می‌نماید. نمودار (۱) اسکری پلات نشان داد که فرضیه اولیه یک بعدی بودن رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مذکور یک مقیاس چند بعدی است. به عبارت دیگر، منحنی حاصل از آزمون اسکری (نمودار) در نقطه‌ای مسطح می‌شود که حدود ۲ یا حداکثر ۳ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از ارزش یک را پیشنهاد می‌دهد. از طرف دیگر، هریک از سه عامل انتهایی به تنهایی کمتر از ۱۰ درصد واریانس را تبیین می‌کردند و بر اساس منابع معتبر (هومن، ۱۳۶۷) اگر عاملی کمتر از ۱۰ درصد واریانس را تبیین کند ممکن است دال بر احتمالی بودن آنها باشد و همچنین با توجه به این که برخی گویه‌ها در چندین عامل قرار می‌گرفتند، فرایند تحلیل عاملی را با دستور استخراج ۲ عامل انجام گرفت.

همان‌گونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود عامل اول دارای ۱۳ گویه است که ۳۹ درصد از واریانس کل آزمون را تبیین می‌کنند. بررسی محتوی این گویه‌ها نشان می‌دهد که محور مشترک آنها اعتماد به مادر و کیفیت ارتباط او با فرزند قرار می‌گیرد، بنابراین این عامل اعتماد و ارتباط نام گذاری شد. عامل دوم دارای ۴ سؤال است که در مجموع،

1- latent root criterion

2- priori criterion

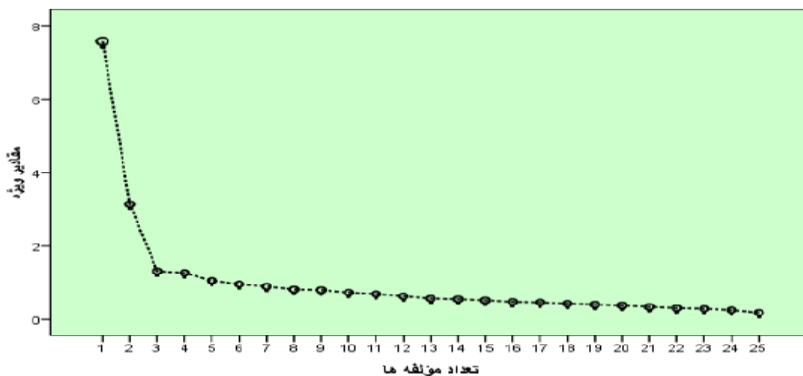
3- Hair, Anderson, Tatham, &amp; Black

۱۶ درصد واریانس کل آزمون را تبیین می‌کنند. محتوای این ماده‌ها، مربوط به بیگانگی و تفرد مادر نسبت به فرزند است. از این رو، این عامل بیگانگی نام‌گذاری شد.

جدول (۲) محاسبه اولیه استخراج عامل پرسشنامه دل‌بستگی مادر از طریق روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی

عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده	عامل	درصد تراکمی تبیین شده	درصد واریانس تبیین شده	مقادیر ویژه	عامل
۱	۷/۵۸	۳۰/۳۱	۱۴	۳۰/۳۱	۳۰/۳۱	۲/۱۹	۱
۲	۳/۱۴	۱۲/۵۵	۱۵	۴۲/۸۷	۱۲/۵۵	۲/۰۷	۲
۳	۱/۳۱	۵/۲۳	۱۶	۴۸/۱۰	۵/۲۳	۱/۹۰	۳
۴	۱/۲۶	۵/۰۶	۱۷	۵۳/۱۶	۵/۰۶	۱/۸۴	۴
۵	۱/۰۵	۴/۲۱	۱۸	۵۷/۳۷	۴/۲۱	۱/۷۱	۵
۶	۰/۹۶	۳/۸۳	۱۹		۳/۸۳	۱/۶۱	۶
۷	۰/۹۰	۳/۵۸	۲۰		۳/۵۸	۱/۵۲	۷
۸	۰/۸۱	۳/۲۶	۲۱		۳/۲۶	۱/۳۶	۸
۹	۰/۸۰	۳/۱۹	۲۲		۳/۱۹	۱/۲۳	۹
۱۰	۰/۷۳	۲/۹۱	۲۳		۲/۹۱	۱/۱۶	۱۰
۱۱	۰/۶۹	۲/۷۵	۲۴		۲/۷۵	۱/۰۱	۱۱
۱۲	۰/۶۳	۲/۵۲	۲۵		۲/۵۲	۰/۷۳	۱۲
۱۳	۰/۵۷	۲/۲۶			۲/۲۶		۱۳

تعداد صخره ای کتل



نمودار شماره (۱) آزمون اسکری و استخراج عامل‌های پرسشنامه دل‌بستگی مادر

جدول شماره (۳) ماتریس عاملی چرخش یافته واریماکس پرسشنامه دلبستگی مادر با دو عامل به ترتیب صعودی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی

عاملها	سؤالات پرسشنامه دلبستگی مادر
۱ (اعتماد و ارتباط)	۲ (بیگانگی)
۸۲/	۲۰- مادرم مرا درک می کند.
۸۰/	۲۱- وقتی که درباره چیزی عصبانی هستم مادرم سعی می کند مرا درک کند.
۷۸/	۱۲- وقتی در مورد چیزهایی بحث می کنیم مادرم به نقطه نظرات من توجه می کند.
۷۶/	۲۴- می توانم بر روی مادرم حساب کنم زمانی که من نیاز دارم با او درد دل کنم.
۷۴/	۲۲- به مادرم اعتماد دارم.
۷۳/	۱۵- مادرم به من کمک می کند تا مسائل خودم را بهتر درک کنم.
۷۳/	۱۳- مادرم به قضاوت‌های من اعتماد می کند.
۷۳/	۱- مادرم به احساساتم احترام می گذارد.
۷۲/	۲- احساس می کنم مادرم وظایف مادری خود را خوب انجام می دهد.
۶۷/	۷- وقتی که من درباره چیزی ناراحت هستم مادرم می تواند با من صحبت کند.
۶۵/	۴- مادرم مرا همان طوری که هستم می پذیرد.
۶۳/	۵- در مورد چیزهایی که نسبت به آنها نگرانم دوست دارم به نقطه نظرات مادرم گوش بدهم.
۵۵/	۲۵- اگر مادرم بداند چیزی مرا ناراحت می کند درباره آن سؤال می کند.
۹۱/	۱۸- از سوی مادرم توجه زیادی دریافت نمی کنم.
۹۱/	۳- آرزو می کنم که مادر دیگری را داشته باشم.
۷۴/	۲۳- آنچه را که این روزها به سرم می آید، مادرم درک نمی کند.
۵۶/	۱۷- احساس می کنم با مادرم با عصبانیت رفتار می کنم.
۵۴/	۶- احساس می کنم که خوب نیست اجازه دهم احساساتم پیش مادرم ابراز شود.
۱۵/۰۵۷	۳۹/۵۵۶ درصد واریانس
۲/۵۶۰	۶/۷۲۵ مقادیر ویژه

## روایی همگرا و همزمان

برای محاسبه روایی همگرا و همزمان، با اجرای پرسشنامه دل‌بستگی مادر، پرسشنامه‌های دل‌بستگی پدر، همسالان و کفایت اجتماعی نیز همزمان اجرا گردید. نتایج ماتریس همبستگی جدول (۵) نشان می‌دهند بین مؤلفه‌های مثبت سبک دل‌بستگی مادر (اعتماد و ارتباط) با خرده مقیاس‌های اعتماد و ارتباط پدر و همسالان رابطه مثبتی وجود دارد ( $P < .05$ ). همچنین بین سبک‌های منفی دل‌بستگی مادر (مؤلفه بیگانگی) و مؤلفه‌های بیگانگی پدر و همسالان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ( $P < .05$ ). نکته قابل توجه دیگر این است که بین کفایت اجتماعی دانشجویان و دل‌بستگی مثبت مادر (اعتماد و احترام) رابطه مثبتی وجود دارد، اما بین کفایت اجتماعی و دل‌بستگی منفی مادر (بیگانگی) رابطه منفی وجود دارد، هرچند که از لحاظ آماری معناداری نیست.

جدول (۴) ضریب همبستگی بین متغیرهای مؤلفه‌های دل‌بستگی والدین و همسالان و مقیاس کفایت اجتماعی

متغیرها	دل‌بستگی		کفایت اجتماعی	
	مادر	پدر	همسالان	کفایت اجتماعی
مادر	اعتماد	۱		
	بیگانگی	-.۰۹۶		
پدر	اعتماد	.۲۹	**/.۲۴	
	ارتباط	**/.۳۰	**/.۲۳	**/.۴۲
	بیگانگی	**/.۳۷	**/.۴۴	**/.۵۲
همسالان	اعتماد	**/.۲۱	**/.۳۲	**/.۱۲
	ارتباط	**/.۲۸	**/.۱۲	*/.۱۷
	بیگانگی	*/.۱۶	**/.۲۱	*/.۱۷
کفایت اجتماعی		**/.۲۹	-.۰۴	**/.۲۵

\* همبستگی در سطح  $.05$  معنادار است \*\* همبستگی در سطح  $.01$  معنادار است

همان‌گونه که جدول (۶) نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار کل افراد در پرسشنامه دلبستگی مادر به ترتیب ۸۹/۴۴ و ۱۴/۹۰ می‌باشند. همبستگی تک تک پرسش‌های مقیاس یاد شده با نمره کل به جزء گویه‌های ۱۰ و ۱۴ از نظر آماری معنی‌دار بود ( $P < .001$ ). دامنه ضرایب به دست آمده به ترتیب برای پرسشنامه دلبستگی مادر از ۰/۴۸ تا ۰/۸۰ در نوسان بود. به‌طور کلی، همه گویه‌های دلبستگی مادر از هماهنگی درونی لازم برخوردارند.

جدول شماره (۵) شاخص آماری سؤال‌های پرسشنامه دلبستگی مادر در میان دانشجویان

پرسشنامه دلبستگی مادر									
همبستگی	انحراف	میانگین	تعداد	سؤالات	همبستگی	انحراف	میانگین	تعداد	سؤالات
با کل سؤال	معیار				با کل سؤال	معیار			
۱	۳۹۸	۴/۰۷	۰/۹۸	۰/۵۱(**)	۱۴	۳۹۸	حذف	حذف	حذف
۲	۳۹۸	۴/۳۸	۰/۸۵	۰/۵۴(**)	۱۵	۳۹۸	۳/۶۴	۱/۰۹	۰/۶۱(**)
۳	۳۹۸	۳/۲۳	۱/۸۸	۰/۳۶(**)	۱۶	۳۹۸	۳/۳۸	۱/۱۶	۰/۵۷(**)
۴	۳۹۸	۴/۱۳	۰/۹۷	۰/۳۵(**)	۱۷	۳۹۸	۳/۱۹	۱/۴۱	۰/۳۶(**)
۵	۳۹۸	۳/۹۷	۱/۰۱	۰/۶۴(**)	۱۸	۳۹۸	۳/۱۷	۱/۶۰	۰/۳۵(**)
۶	۳۹۸	۳/۱۱	۱/۲۲	۰/۶۷(**)	۱۹	۳۹۸	۳/۵۳	۱/۱۶	۰/۶۴(**)
۷	۳۹۸	۳/۶۴	۱/۱۷	۰/۶۵(**)	۲۰	۳۹۸	۳/۸۱	۱/۱۴	۰/۶۷(**)
۸	۳۹۸	۳/۲۳	۲/۹۴	۰/۵۷(**)	۲۱	۳۹۸	۳/۷۵	۱/۰۶	۰/۶۵(**)
۹	۳۹۸	۴/۱۱	۲/۲۵	۰/۳۱(**)	۲۲	۳۹۸	۴/۳۲	۱/۰۴	۰/۵۷(**)
۱۰	حذف	حذف	حذف	۰/۶۲(**)	۲۳	۳۹۸	۳/۲۰	۱/۳۴	۰/۳۱(**)
۱۱	۳۹۸	۳/۰۸	۱/۱۹	۰/۴۲(**)	۲۴	۳۹۸	۳/۷۷	۱۴/۲۲	۰/۶۲(**)
۱۲	۳۹۸	۳/۸۸	۱/۰۴	۰/۵۹(**)	۲۵	۳۹۸	۳/۷۹	۱/۲۵	۰/۴۲(**)
۱۳	۳۹۸	۳/۸۶	۱/۰۳	۰/۵۷(**)	جمع	۳۹۸	۸۹/۴۴	۱۴/۹۰	

\*\*  $P < .001$

## ۲- پایایی پرسشنامه دلبستگی مادر

پایایی این پرسشنامه، به دو روش همسانی درونی و همبستگی دو نیمه‌سازی محاسبه

گردید (جدول ۷). برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی مقیاس، از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر این ضریب برای کل مقیاس، عامل اول (اعتماد-ارتباط) و عامل دوم (بیگانگی از مادر) به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۹۱ و ۰/۷۴. برآورد گردید. در شیوه دو نیمه‌سازی، با استفاده از شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن براون، مقدار این ضریب ۰/۸۱. برآورد شده است. نظر به این که ضرایب بدست آمده در هر دو روش بالای ۰/۷۰ است، می‌توان گفت پرسشنامه مورد نظر از پایایی خوبی برخوردار بود.

جدول شماره (۶) ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه دل‌بستگی مادر

عامل‌ها	تعداد سؤال	شاخص‌های آماری آلفای کرونباخ
کل مقیاس	۱۷	۰/۸۱
اعتماد و ارتباط	۱۲	۰/۹۱
بیگانگی از مادر	۴	۰/۷۴

### بحث و نتیجه‌گیری

شکل‌گیری نوع الگوهای دل‌بستگی یا الگوهای فعال درونی بین والدین و نوجوان، می‌تواند در ارزیابی تعارض نوجوان- والدین نقش مهمی ایفا کند. آن می‌تواند در ایجاد رابطه بین انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحولی نوجوان و تکالیف والدین عامل مهمی به حساب آید. ابزار خودگزارشی که اخیراً در پژوهش‌های بین‌المللی برای ارزیابی روابط نوجوانان با والدین شان بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، IPPA است (ویلیکینسون و والفرد، ۲۰۰۱). بنابراین، پژوهش حاضر به منظور مطالعه روایی و پایایی پرسشنامه دل‌بستگی مادر با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و همسانی درونی انجام شد.

در بحث تفاوت‌های بین دو جنس نتایج مطالعه حاضر نشان داد که دختران کمتر از پسران در مقیاس «اعتماد و ارتباط» از فرم مادری نمره گرفتند. این یافته نشان می‌دهد



که دختران بعد از وارد شدن به دانشگاه روابط مشکل‌ساز بیشتری با مادران خود نسبت به پسران در خصوص مناقشه و نزاع روی مسایل استقلال و خودمختاری تجربه می‌کنند. این نتایج مطابق با نتایج گولون و رایینسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) همسو است که نشان داد که پسران نسبت به دختران دلبستگی مثبت تری به مادر خود گزارش می‌کنند. یکی از تفسیرهای احتمالی این ممکن است باشد که دختران در دوران نوجوانی و جوانی، تمایل دارند از روابط قبلی با مادر رها شوند و روابط خود بیشتر را با دوستانش در دانشگاه گسترش دهند.

نتایج دیگر این مطالعه نشان داد که مناسب‌ترین مدل برای ساختار عاملی پرسشنامه دلبستگی مادر در این پژوهش یک مدل ساختاری دو عاملی است که ۵۴ درصد واریانس را تبیین نمود. در این مطالعه بر اساس EFA، گویه‌های را انتخاب گردید که هم از نظر مفهومی و هم از نظر آماری به بهترین وجه معرف عامل‌ها بودند، دو زیرمقیاس برای مادر، با ۱۸ گویه برای برقراری ارتباط و اعتماد و پنج گویه برای بیگانگی ایجاد شد. این مدل با مدل اولیه مقیاس اندکی متفاوت بود. به این ترتیب که بعضی از گویه‌ها در عامل‌های متفاوتی، با آن چه در مدل اولیه پیشنهاد شده بود قرار گرفتند که این تغییر و جابه‌جایی گویه‌ها در مورد عامل‌هایی که «ارتباط» را می‌سنجند، بیشتر به چشم خورد. بنابراین بین گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های «ارتباط» و «اعتماد» تداخل ایجاد شد و گویه‌های آنها در یک عامل ترکیبی به نام «اعتماد و ارتباط» و عامل دیگر «بیگانگی» بارگذاری شدند. برای مثال، گویه‌های ۵، ۷، ۱۵، ۲۴ و ۲۵ در زیرمقیاس اعتماد قرار گرفته است، آنها می‌تواند به عنوان جنبه‌ای از ارتباط مورد بحث قرار گیرند. زیرا محتوای گویه‌های مذکور بر خلاف مطالعه آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) به وضوح قابل تمییز نیستند و می‌توانند در بعد ارتباط جای گیرند. به عنوان مثال «دوست دارم به نقطه نظرات مادرم در مورد چیزهایی که نسبت به آنها نگرانم گوش بدهم» به زیرمقیاس اعتماد تعلق دارد (گویه ۵)، می‌تواند به عنوان گویه ارتباطی نیز در نظر گرفته شود. گویه ۱۲ از

---

1- Gullone and Robinson

فرم مادر، «مادر می‌تواند وقتی که من درباره چیزی ناراحت هستم با من صحبت کند» در بعد اعتماد قرار گرفته، می‌تواند به عنوان جنبه‌ای از ارتباطات نیز تفسیر شود. از این رو به نظر می‌رسد این دو بعد یک سازه به نام «اعتماد و ارتباط» را تشکیل می‌دهند نه دو عامل جداگانه.

نتایج پژوهش مطالعه حاضر با یافته‌های بکستروم و هولمز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، لی، اسکات و کارلا<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) و گالون و رایبسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) که این ابزار را بکار بردند همسو است. همچنین گریفین و بارتولومئو (۱۹۹۴) و سانفرد (۱۹۹۷) که در تحقیقات خود از سایر ابزارهای خودگزارشی دلبستگی بزرگسالان استفاده نمودند، همگی به این نتیجه رسیدند که دو عامل بهتر از سه و چهار عامل داده‌های دلبستگی آنها را تبیین نمود. این دو زیر مقیاس که از لحاظ محتوا به بهترین وجه سازه‌های مربوطه خود را بازنمایی می‌کردند، همبستگی متقابل بالاتری داشتند و مطابق نظر نویسندگان ممکن است مبنای قابل اعتماد باشد که یک پرسشنامه پیچیده‌تر و چند بعدی گسترش یابد. این مسئله می‌تواند نقطه شروع خوبی در تحولات نظری و ابزاری باشد. در مطالعات آینده، ملاحظه پایایی‌های بدست آمده و همبستگی‌های زیرمقیاس‌ها جالب خواهد بود، به شرطی که بار گذاری متقاطع/گویه‌های مبهم خارج شده باشد. نظر به این که هدف اصلی پرسشنامه دلبستگی والدین، تدارک یک مقیاس چند بعدی در اختیار محققان و متخصصان بالینی بود تا پیچیدگی نظام دلبستگی را تبیین نماید، ممکن است مفید باشد که پرسشنامه را با تأکید بیشتر بر ابعاد سه زیر مقیاس اصلاح کنیم و گویه‌های را شناسایی کنیم که این ابعاد را به ویژه منعکس نماید، طوری که زیر مقیاس‌ها دارای همگن درونی و کاملاً متمایز ممکن است به دست بیاید.

علاوه بر این، در این پژوهش برای بررسی روایی همگرایی و ملاکی، همبستگی این پرسشنامه با سه آزمون روا یعنی پرسشنامه‌های دلبستگی پدر، همسالان و کفایت اجتماعی

1- Bäckström &amp; Holmes

2- Lee, Scott &amp; Carla

3- Gullone &amp; Robinson

محاسبه شد. بین خرده‌مقیاس‌های دلبستگی مادر با خرده‌مقیاس‌های دلبستگی پدر و همسالان همبستگی معنی‌داری در سطح ۰/۱ وجود داشت. همین‌طور، بین کفایت اجتماعی دانشجویان و دلبستگی مثبت مادر رابطه مثبتی وجود دارد. بنابراین، نتیجه پژوهش حاضر در راستای تحقیقات پیشین هلنتال (۲۰۰۶) و گالون و رابینسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) مؤید روایی ملاکی و همگرایی فرم فارسی مقیاس است. با فرض این یافته‌ها این سه جنبه از دلبستگی که توسط مقیاس IPPA سنجیده می‌شود، به‌طور متفاوتی با اندازه‌های کفایت اجتماعی همبستگی داشتند، بهتر است دلبستگی به عنوان یک سازه چند بعدی و نه یک بعدی نگریسته شود.

همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ نیز نشان دادند که پرسشنامه دلبستگی مادر از پایایی قابل قبولی برخوردار است که با یافته‌های لی و همکاران، ۲۰۰۳؛ بکستروم و هولمز، ۲۰۰۱؛ آدام و چاس-لزدل، ۲۰۰۲؛ آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷؛ بلاک و مک کارتنی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ فورموزو، گنزالز و آیکین، ۲۰۰۰؛ پاترسون و همکاران، ۱۹۹۵؛ پاولدیز و مک کائولی، ۲۰۰۱ هماهنگ است.

در پایان، یافته‌های حاصل از این مطالعه از روایی عاملی و پایایی پرسشنامه هنگامی که از آن را برای ارزیابی امنیت کلی دلبستگی استفاده به عمل می‌آید حمایت می‌کند و از این ابزار می‌توان برای سنجش میزان دلبستگی نسبت به مادر در مراکز مشاوره و کلینیک‌های روانشناسی استفاده کرد. با توجه ارزیابی دو زیرمقیاس که در اصل توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) سه بعد پیشنهاد شده بود، به منظور افزایش اطمینان از ابعاد بنیادی پرسشنامه رابطه این ابزار با سایر سنج‌های دلبستگی در جمعیت‌های دیگر بررسی شود.

با این حال، تحقیق حاضر محدودیت‌هایی نیز در پی دارد از جمله این که تحقیق در جمعیت دانشجویی انجام شده، لذا نتایج آن را نمی‌توان به سایر جمعیت‌ها تعمیم داد. از طرفی، به جهت اهمیتی که امروزه پرسشنامه دلبستگی والدین در دنیا پیدا کرده است

1- Gullone &amp; Robinson

2- Black &amp; McCartney

است و همچنین به دلیل کارایی متنوع این پرسشنامه در کارهای بالینی و پژوهشی پیشنهاد می‌شود تا روایی و اعتبار فرم‌های دیگر این موضوع مورد بررسی قرار گیرند.

۱۳۸۹/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:

۱۳۹۰/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:

۱۳۹۰/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله:

Archive of SID

## منابع

- منصور، محمود و دادستان، پریخ (۱۳۷۴). روانشناسی ژنتیک، تهران: انتشارات رشد.
- هومن، حیدر علی (۱۳۶۷). استاندارد کردن پرسشنامه ارجحیت شخصی ادواردز، نشریه علوم تربیتی (ویژه روان‌سنجی)، دانشگاه تهران، ۳۵.
- واحدی، شهرام و مرادی، سمانه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی دانشجویان جدیدالورود، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱ (۳): ۲۲۳-۲۴۲.
- Arbuckle, J.L. (2007). *AmosTM 16 User's Guide*, Chicago: SPSS.
- Adam E. K., & Chase-Lansdale, P.L. (2002). Home sweet home(s): Parental Separations, Residential Moves, and Adjustment Problems in Low-income Adolescent Girls, *J. of Developmental Psychology*, 38:792-805.
- Alexander, F., Hohaus, N. (2001). Attachment Style and Coping Resources as Predictors of Coping Strategies in the Transition to Parenthood, *Peers- Relationships*, 8:137-152.
- Allen J.P. & Land D. (1999). Attachment in Adolescence, In: Cassidy J, Shaver PR, Editors, *Handbook of Attachment*, Guilford; New York: pp. 319-335.
- Armsden G.C., & Greenberg, M.T. (1987). The Inventory of Parent and Peer Attachment: Individual Differences and Their Relationship to Psychological Well-Being in Adolescence, *J. of Youth and Adolescence*, 16:427-454.
- Bäckström, M. & Holmes, B. M. (2001). Measuring adult Attachment: A Construct Validation of Two Self-report Instruments, *Scandinavian Journal of Psychology*, 42: 79-86.
- Black, K.A., & McCartney, K. (1997). Adolescent Females' Security with Parents Predicts the Quality of Peer Interactions, *Social Development*, 6:91-110
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*, Vol. 1, New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988). *A Secure Base: Parent-child Attachment and Healthy Human Development*, New York: Basic Books.

- 
- Bretherton, I., & Munholland, K.A. (1999). Internal Working Models in Attachment Relationships: A construct Revisited. In J. Cassidy & P.R. Shaver (Eds.), *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications* (pp. 89-111). New York: Guilford Press.
- Bradford E., & Lyddon W.J. (1993). Current Parental Attachment: Its Relation to Perceived Psychological Distress and Relationship Satisfaction in College Students, *J. College Student Development Psychology*, 75:420-435.
- Buhrmester, D. (1990) Intimacy of Friendship, Interpersonal Competence, and Adjustment during Middle Childhood and Adolescence, *Child Development*, 61:1101-1111.
- Collins, N.L. & Read, b S.J. (1990). Adult Attachment, Working Models and Relationship Quality in Dating Couples, *J. of Personality and Social Psychology*, 58: 644-663.
- Colmen, P.K. (2003). Perception of Parent- child Attachment, Social Self-efficacy, and Peer Relationship in Middle Childhood, *Infant and Child Development*, 12: 351-368.
- Cyranowski J.M., Bookwala J., Feske U., Houck P., Pilkonis, P., Kostelnik, B. & Frank, E. (2002). Adult Attachment Profiles, Interpersonal Difficulties, and Response to Interpersonal Psychotherapy in women with Recurrent Major Depression, *J. of Social Clinical Psychology*, 21:191-217.
- Doherty, W.J., & Beaton, J.M. (2004). Mothers and Fathers Parenting Together, In A.L. Vangelistsi (Ed.), *Handbook of Family Communication* (pp. 269-286). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Feeney, J.A., Noller, P., & Callan, V.J. (1994). *Attachment Processes in Adulthood*, In (pp. 122-158). New York: Guilford.
- Formoso, D., Gonzales, N.A, & Aiken, L.S. (2000). Family Conflict and Children's Internalizing and Externalizing Behavior: Protective Factors, *American Journal of Community Psychology*, 28:175-199.
- Griffin, D.W., & Bartholomew, K. (1994). The Metaphysics of Measurement: The Case of Adult Attachment, *Advances in Personal Relationships*, 5: 17-52.
-

- Gullone, E., & Robinson, K. (2005). The Inventory of Parent and Peer Attachment Revised (IPPA-R) for Children: A Psychometric in Investigation, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12: 67-79.
- Ridenour, T.A., Greenberg, M.T., & Cook, E.T. (2007). Structure and Validity of People in My Life: A Self-report Measure of Attachment in Late Childhood, *J Youth Adolescent*, 35(6): 1037-1053.
- Hair, J.F., Jr., Anderson, R.E., Tatham, R.L. & Black, W.C. (1998), *Multivariate Data Analysis*, 5th edn. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.
- Hazan C., & Shaver P.R. (1987). Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process, *J. of Personality Social Psychology*, 52:511-524.
- Hellenthal, L.R. (2006). *The Separated and Combined Effects of Mother, Father, and Peer Attachment on Young Adolescents Social, Behavioral and Emotional Adjustment*, Thesis MS: College of Art and Science of Ohio University
- Kenny M.E. (1987). The Extent and Function of Parental Attachment among First Year College Students, *J. of Youth and Adolescence*, 16:17-29.
- Lee N.J., Scott, A.K. & Carla, A. (2003). The Revised Inventory of parent attachment: Measuring Attachment in Families, *Contemporary Family Therapy*, 25, 3: 333-349.
- Marcus R.F., & Betzer P.D. (1996). Attachment and Antisocial Behavior in Early Adolescence, *J. of Early Adolescent*, 16:229-248.
- Noom, M.J., Dekovic, M., & Meeus, W.H.J. (1999). Autonomy, Attachment and Psychosocial Adjustment during Adolescence: a Double-edged Sword? *J. of Adolescence*, 22:771-783.
- Papini D.R., Roggman L.A, & Anderson J. (1991). Early-Adolescent Perceptions of Attachment to Mother and Father: a Test of the Emotional-distancing and Buffering Hypotheses, *J. Early Adolescent*, 11:258-275.
- Paterson. J., Pryor, J., & Field J. (1995). Adolescent Sttachment to Parents and Griends in Telation to Spects of Self-esteem, *J. of Youth and Adolescence*, 24:365-376.

- 
- Pavlidis K., & McCauley E. (2001). Autonomy and Relatedness in Family Interactions with Depressed Adolescents, *J. of Abnormal Child Psychology*, 29:11-21.
- Rholes, S., Campbell, & G. (2001). Adult Attachment and the Transition to Parenthood, *J. Personality and Psychology*, 81:421-435.
- Ridenour, T.A. & Greenberg, M.T. and E.T. Cook (2006). Structure and Validity of People in My Life: A Self-report Measure of Attachment in Late Childhood, *J. of Youth and Adolescence*, 35, 6: 1037-1053.
- Sanford, K. (1997). Two Dimensions of Adult Attachment, Further Validation, *J. of Personality and Psychology*, 59: 273-280.
- Schneider, B.H., Atkinson, L., & Tardiff, C. (2001). Child-parent Attachment and Children's Peer Relations: A Quantitative Review, *Developmental Psychology*, 37: 86-100.
- West, M., Rose, M.S., Spreng, S., Sheldon-Keller, A., & Adam, K. (1998). Adolescent Attachment Questionnaire: a Brief Assessment of Attachment in Adolescence, *J. of Youth and Adolescence*, 27: 661-673.
- Wilkinson, R.B., & W.A. (2001). Attachment and Personality in the Psychological Health of Adolescents, *Personality and Individual Differences*, 31: 473-484.